

جایگاه علمی آمار در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی ایران



تاریخ عقاید اجتماعی و بخصوص تفکرات جمعیتی بشر شاهد ارائه نظرات بسیار متفاوتی در مورد رشد و افزایش جمعیت بوده است که در این میان مکاتب فکری مختلف هر یک با توجه به مبانی عقیدتی و ارزشی خود و همچنین شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه به تحلیل و ارزیابی این مسأله پرداخته‌اند. اعلام نتایج کلی آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن که اخیراً برگزار شد بار دیگر بحث در مورد نقش جمعیت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ کشور را در سطح جامعه مطرح کرد. هر چند که مسئولین و دست‌اندرکاران ذی‌ربط بارها تذکر داده‌اند که ارزیابی و تحلیل رشد جمعیت در ایران باید بعد از استخراج کلیه آمار و ارقام صورت‌بندی و به‌رحال همان شناسایی کلی که توسط مقامات رسمی اعلام شده است زمینه‌های مناسبی را برای بحث و بررسی در مورد خصوصیات، ترکیب، تمرکز و رشد و افزایش جمعیت در ایران بوجود آورده است.

طبیعی است نظرات متفاوتی که در محافل مختلف در این مورد ارائه می‌شود. اگر بتواند یک جهت‌گیری روشن و مناسب را برای برخورد با مسأله جمعیت در ایران ترسیم کند و یک تعادل منطقی بین افزایش جمعیت از یک سو و اهداف سیاسی، امکانات اقتصادی و مبانی فرهنگی جامعه از سوی دیگر بوجود آورد می‌تواند مفید فایده واقع شود والا اگر مجرد و مجزا از واقعیتها صورت بگیرد ره بجایی نخواهد برد.

به‌رحال بحث و بررسی مختصات و بافت جمعیت ایران، ارزیابی نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن و بطور کلی مبانی تفکر جمعیتی و جمعیت‌شناسی محورهای اصلی گفتگویی خوشگاران اقتصادی ما با دکتر جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران است که متن کامل آن ذیلا در نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

روستا را بطور دقیق بیان کنیم. ولی روند کلی در کشور به این منوال بوده است که در مقابل هر ۱۰۰ زن، ۱۰۱ مرد وجود دارد. بطور دقیق این ترکیب جنسی در مقوله رشد و توسعه اقتصادی مؤثر است. برای برنامه‌ریزی اقتصادی، ما ملزم به در نظر داشتن ترکیب جنسی جمعیت کشور هستیم که نوعاً این برنامه‌ریزی موجب کارهایی باشد که اکثریت و تعداد بیشتر را دربر بگیرد.

ترکیب سنی جمعیت

چوآن و یا پسر بودن جمعیت، عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی و برنامه‌های میان مدت و بلند مدت اقتصادی - اجتماعی است. در بررسی‌های علی‌پیشرفت جوامع، ترکیب سنی جمعیت از شاخص‌های مهم به شمار می‌رود.

برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و بویژه تربیت نیروی متخصص با توجه به ترکیب سنی جمعیت طراحی می‌شود. از ترکیب سنی جمعیت، هر دوام فنی بدست می‌آید که در گزینگی آن در طول زمان، تغییراتی در روند توسعه اقتصادی بوجود می‌آورد.

با درمقابل تعداد زنان، چه تعداد مرد وجود دارد. در دنیا، برای یک آخرین اطلاعات - مربوط به سال ۱۹۸۴ - تفاوتی زیاد میان تعداد مردان و زنان دیده نمی‌شود. ولی این مسأله اثرات فراوانی دارد. مثلاً در شوروی در مقابل هر ۱۰۰ زن، ۹۷ مرد و در آمریکا در مقابل هر ۱۰۰ زن، ۹۹ مرد وجود دارد. ولی در کشور چین در مقابل هر ۱۰۰ زن، ۱۰۲ مرد وجود دارد. این ترکیب جنسی بر رشد و توسعه تأثیر می‌گذارد.

معمولاً با بررسی‌های موجود، مرد را در جوامع مختلف، عامل مهم اقتصادی تلقی می‌کنند. جوامع مختلف با وجود ترکیب سنی متفاوتی که دارند، جهت‌گیری خاصی در این زمینه ندارند. این بدان معنا است که تاکنون این اقدام که با ارزش‌گذاری بر ترکیب سنی، رشد و توسعه جامعه را تغییر جهت بدهد، مورد نداشتن است.

البته این مسأله از یک سابقه تاریخی نیز برخوردار است. برای نمونه در دستورهایی کشور خودمان و با پایه‌های جوامع دیگر، برای پسر اهمیت خاصی قائل بوده‌اند و مشخصاً این اهمیت به دلیل نقش پسر در فعالیت‌های اقتصادی بوده است.

هنوز در رابطه با سرشماری نفوس و مسکن، ترکیب جنسی درست نیست تا به وسیله آن ترکیب جنسی در شهر و

شاید بدون گفت طرح مسأله اقتصاد و پس از آن مفاهیم گوناگون اقتصادی مانند رشد و توسعه اقتصادی، همیشه با تئوریهای جمعیتی همراه بوده است.

طرح تئوری جمعیت دقیقاً در این رابطه است که چگونه می‌توان جمعیت را پرورش داد و تربیت کرد و به بیان دیگر و به چه سویی باید آن را رخصت ساخت و اینکه است که تئوریهای رشد اقتصادی بوجود می‌آید برای نمونه تئوری «مالثوس» در زمینه جمعیت بسیار معروف است. «مالثوس» یک اقتصاد دان بود و تئوری وی ارتباط نزدیکی با برنامه‌ریزی و آینده‌نگری برای جمعیت دارد. «مالثوس» رشد انقباضی جمعیت و اثرات آنرا بر رشد اقتصادی مطرح کرد. به‌رحال ارتباط میان رشد اقتصادی و جمعیت یک مقوله قدیمی است و تئوری‌های مختلفی نیز در این زمینه ارائه شده است.

جمعیت را صرفاً و به‌گرنه مجرد دیدن، ملاک نیست، بلکه باید صفات جمعیت و تأثیر این صفات را بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار داد. از جمله این صفات که بیشتر بر مقوله رشد و توسعه مطرح می‌شود ترکیب جنسی جمعیت است که مسأله می‌تواند برنامه‌ریزی‌های توسعه را تحت تأثیر قرار دهد. اینها مثلاً تعداد زنان و مردان فقیر است و

عامل اساسی دیگر در مسائل جمعیتی که اثرات زیادی در رشد اقتصادی دارد، مساله رشد جمعیت و دربرگیرنده میزان زاد و ولد و مرگ و میر جامعه است. رشد جمعیت یکی از احساس ترین موفقه های است که تئوری های جمعیتی و اقتصادی پایه هم نزدیکی می کند و در بررسی توسعه اقتصادی کشور، بدست آوردن نرخ آن یکی از مهم ترین مسائل است.

میزان آبرودار کثرتسالانه در جامعه و میزان تولید سرانه سالانه از طریق مقایسه جمعیت با عوامل اقتصادی صورت می پذیرد. سپس بررسی می شود که آیا توسعه اقتصادی وجود داشته است یا خیر؟

برای آزمودن این که برای ارزیابی توسعه اقتصادی ضروری است از بین بردن اثرات افزایش جمعیتی است. شیرونی که اگرچه از رشد درآمد نامین یک پیشگام برای هرده هزار نفر باشد، باید همین را به عنوان یک واحد نگاه داشت. زمانی پارچه به افزایش جمعیت، اگر هم قابل هره هزار نفر یک پیشگام بوده و داشته باشد می توان ادعا کرد که رشد داشته است. در حالیکه اگر صرفاً اعلام شود که تعداد پیشگان از دست هزار نفر به سی هزار نفر افزایش یافته است، گروه بریند امر این افزایش قابل توجه است ولی اگر این افزایش همیاری رشد جمعیت نباشد، چندان مهم نخواهد بود چرا که ممکن است علیرغم این افزایش تعداد پیشگان نسبت فعلی به یک پیشگام برای هر ۱۱ نفر افزایش پیدا کرده باشد. در هر حال باید گفت که عامل محبت از عوامل مهم و تعیین کننده در موفقه رشد و توسعه اقتصادی است. اختلاف میان نرخ رشد و توسعه و نرخ رشد جمعیت نشانگر نرخ واقعی است و اگر نرخ رشد اقتصادی باقیمانده ثابت در یک سال ۴٪ و نرخ رشد جمعیت ۲٪ باشد درسی است که حاصل وضعیت اقتصادی کشور سیر نزولی پیدا کرده باشد. هر چه رشد جمعیت توسعه در پاره موفقه زاد و ولد و مرگ و میر آغاز، گویی می شود، زاد و مرگ و میر هم پسگی به فرجه کند. میزان بهداشت - در مابین زیرساخت های میان رشد جمعیت و توسعه اقتصادی، تئوری های مختلفی وجود دارد از جمله تئوری های پیشین درباره کنترل رشد جمعیت نیست بلکه به سرعت پیشین به توسعه اقتصادی به منظور پیش گرفتن نرخ جمعیت معقد است. تئوری دیگر که درستی در مقابل تئوری پیشین قرار دارد معقد به کنترل دقیق رشد جمعیت است. بنابراین تئوری، ابتدا باید تطبیق وضعیت اقتصادی باوضع موجود جمعیت انجام گیرد و سپس به دنبال رشد و توسعه اقتصادی، رشد جمعیت باآن صاحبگ ساخته.

پسند واریبکنیکر نشان می دهد البته تئوری های پتانیتی نیز وجود دارد که برکنترل هر دو نزدیک شدن رشد توسعه اقتصادی در رشد جمعیت مبتنی است. در پاره بعضی از این تئوری ها، سیاست های اعتباری و پارهای دیگر سیاستهای پیش منطبق براری امراری می گردند. در فرضی از کشورها، بهویژه، سیاستهای کنترل جمعیت وجود ندارد ولی رشد جمعیت بهوقتی دوره پائین است. برای نمونه در فرانسه غرب اتریش و مکزیک رشد جمعیت متنی است. این رشدی جمعیت بدون اصلاح سیاست کنترل جمعیت است و جمعیت سه کشور باقیده در حال کاهش است. تئوری دیگر کشورهای دیگری مانند چین بااعمال سیاستهای مانند جبری رشد جمعیت را گرفته اند. میزان رشد جمعیت چین به ۷ دهم درصد محدود شده است.

تجدید روستا در روش مستقیم و غیر مستقیم به گونه اترامان انجام می شود. به این معنی که بخشی از کنترل جمعیت در وقت و توسعه در صورت مسؤریت برای خانواده ای برصحت اعمال می شود و بخشی از کنترل نیز از سوی خانواده هارا انجام می گیرد. این یک روش میانینی، برای کشورهای دیگر است که بهصورت رشد جمعیت را کنترل نمی کند و کشورهای که کنترل شدید بررشد جمعیت دارند، بهر حال تئوری های مختلفی در این زمینه وجود است. مساله

سیاستهای فرهنگی و ارتباط آن با سیاست های اقتصادی و سایر مسائل کشور، کشاورزی کشور ارتباطی داشته است. رشد روز افزون بخش خدمات است. به بخش های کشاورزی وسعت و سهم ۵۹ درصدی آن از کل تولید ناخالص داخلی، از اثرات مهم عامل مهاجرت است. البته مسائلی مانند واردات و وابستگی نیز دررشد بخش خدمات نقش داشته است. ولی به هر صورت رشد این بخش باعامل مهاجرت رابطه نزدیکی دارد. در اینجا لازم است توضیح دهم که رشد بخش خدمات باعدم رشد آن در کشورهای گوناگون متفاوت است. در پاره ای نقاط هدا این بخش را تقویت می کنند و تولید ناخالص داخلی آنها متکی برآمدن این بخش است. برعکس در کشورهای باعدم رشد بخش خدمات توسط تقویت قرار گرفته و این بخش نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی آنها ندارد. به عنوان نمونه در ایران، توسعه و وسعت نسبت به بخش خدمات بسیار زیاد است.

در ایران بخش خدمات توسعه یک حالت پتانیتی میان بخش صنعت و خدمات وجود داشته است. گروه ما طرفان پهلوانی به بخش های خدمات و کشاورزی و سهم و بلور توسعه این بخش بخش های خدمات است که رشد می یابد. یکی از عوامل این قضیه، عامل مهاجرت و تغییرات بخش خدمات است. با پاره آن بدست آمده از سرشاری نفوس و مسکن، میزان جمعیت شهری ۲۶/۷۰۰٪ نفر و جمعیت

رشد آن و تاثیرات اقتصادی - اجتماعی این بحث می شود. منظور اطلاع دهنندگان از این است که حرکت می کنیم و کنترل جمعیت میانه ای است که سیاستگذاران باید آنرا مورد نظر قرار دهند. وضعیت موجود از نظر رشد جمعیت، اول نشان دهنده آنست که ترکیب سنی جمعیت بسوی جوان شدن حرکت می کند. آمار و اطلاعات اولیه بدست آمده از سیرهای اخیر در ایران، نشان دهنده افزایش میزان زاد و ولد است. جدول در حال حاضر از رشد جمعیت زیر ۱۵ سال کشور نسبتاً به ۵۵٪ نزدیک به ۴/۸ درصد در حال است که نشان میدهد سرعت فزاینده جمعیت به طور جوی نشانی است. البته از سوی دیگر، امید به زندگی افزایش پیدا کرده و فریب افزایش طول عمر جمعیت شده است. به هرحال در راستای رشد و توسعه اقتصادی، برنامه ریزان ناگزیر باسیستی خود را با رشد جمعیت تطبیق دهند.

مهاجرت عامل دیگر در پاره ای باطوره جمعیت و رشد توسعه اقتصادی، عامل مهاجرت است. مهاجرت، به جایی جمعیت معادیم که گویاری را دارد است. مسلمانان مساله بر توسعه اقتصادی وویژه دررشد توسعه و توسعه اقتصادی مهمی است. برای مردم به عنوان نمونه مطرح تحصیل مهاجرتی که وارد یک منطقه شده با از منطقه ای خارج می شوند، تاثیر زیادی دررشد توسعه اقتصادی آن منطقه باقی ماند دارد. است. در این باطوره نیز تئوری های مختلف اقتصادی وجود دارد و در کشورهای جهان تحلیفات گسترده ای فراین زمینه انجام شده است. اگر تنها ابعادی از مساله مهاجرت مانند مهاجرت شهر به روستا را مورد بررسی قرار دهم موفقه مهاجرت شهر به شهر و دروستا به روستا را کنار بگذاریم، می توان گفت که مهاجرت باطوره رشد توسعه اقتصادی، مهاجرت روستا به شهر مساله بسیار مهمی است.

این امر دارای اثرات مثبت و منفی بسیاری است و بر

رشد روز افزون بخش خدمات است. به بخش های کشاورزی وسعت و سهم ۵۹ درصدی آن از کل تولید ناخالص داخلی، از اثرات مهم عامل مهاجرت است. البته مسائلی مانند واردات و وابستگی نیز دررشد بخش خدمات نقش داشته است. ولی به هر صورت رشد این بخش باعامل مهاجرت رابطه نزدیکی دارد. در اینجا لازم است توضیح دهم که رشد بخش خدمات باعدم رشد آن در کشورهای گوناگون متفاوت است. در پاره ای نقاط هدا این بخش را تقویت می کنند و تولید ناخالص داخلی آنها متکی برآمدن این بخش است. برعکس در کشورهای باعدم رشد بخش خدمات توسط تقویت قرار گرفته و این بخش نقش مهمی در تولید ناخالص داخلی آنها ندارد. به عنوان نمونه در ایران، توسعه و وسعت نسبت به بخش خدمات بسیار زیاد است.

در ایران بخش خدمات توسعه یک حالت پتانیتی میان بخش صنعت و خدمات وجود داشته است. گروه ما طرفان پهلوانی به بخش های خدمات و کشاورزی و سهم و بلور توسعه این بخش بخش های خدمات است که رشد می یابد. یکی از عوامل این قضیه، عامل مهاجرت و تغییرات بخش خدمات است. با پاره آن بدست آمده از سرشاری نفوس و مسکن، میزان جمعیت شهری ۲۶/۷۰۰٪ نفر و جمعیت

رشد آن و تاثیرات اقتصادی - اجتماعی این بحث می شود. منظور اطلاع دهنندگان از این است که حرکت می کنیم و کنترل جمعیت میانه ای است که سیاستگذاران باید آنرا مورد نظر قرار دهند. وضعیت موجود از نظر رشد جمعیت، اول نشان دهنده آنست که ترکیب سنی جمعیت بسوی جوان شدن حرکت می کند. آمار و اطلاعات اولیه بدست آمده از سیرهای اخیر در ایران، نشان دهنده افزایش میزان زاد و ولد است. جدول در حال حاضر از رشد جمعیت زیر ۱۵ سال کشور نسبتاً به ۵۵٪ نزدیک به ۴/۸ درصد در حال است که نشان میدهد سرعت فزاینده جمعیت به طور جوی نشانی است. البته از سوی دیگر، امید به زندگی افزایش پیدا کرده و فریب افزایش طول عمر جمعیت شده است. به هرحال در راستای رشد و توسعه اقتصادی، برنامه ریزان ناگزیر باسیستی خود را با رشد جمعیت تطبیق دهند.

لعاد جمعیتی بر روی مساله رشد و توسعه تاثیر گذار است. آموزش و فرهنگ از دیدگاه تصمیمی از جمله مقرراتی است که در برنامه های بلند مدت توسعه قرار گیرد. سطح تحصیلات و میزان تربیت تکمیل، معیشت و دگر برای جامعه، نیروی عامه، ویژگی های رشد و توسعه تاثیر بسیاری دارند. ترکیب ناموزون تجربیات تخصصی نیروی انسانی عامل بسیار مهمی است و می تواند اثرات منفی زیادی بر برنامه رشد و توسعه بگذارد.

در بیان کشورهای جهان جوامعی وجود دارد که در نظر تربیت نامند، در انسانی، به دست خود می توانند روزی و روزی تربیت کنند. این کشورها به تعدادی نیروی متخصص خود نیستند و نیروی متخصص آنها جذب جوامع دیگر می شوند. در حال اگر این توانمندی نیروی متخصص خود را جذب کنند، این مساله به رشد و توسعه اقتصادی لغاتی را وارد خواهد ساخت. ترکیب و میزان با سواد و جامعه و نیز افزایش میزان با سوادان اثر مستقیمی بر رابطه با رشد و توسعه اقتصادی دارد. با بررسی های که در کشورهای مختلف به عمل آمده ثابت شده است که به هر میزان با سواد بالا میزود، میزان رشد و توسعه اقتصادی افزایش می یابد.

در حال حاضر با افزایش به آموزش اطلاعات بدست آمده، وضعیت کشور از این لحاظ واقعاً متنوع و چشمگیر است. در مجموع شهری میزان با سواد نزدیک به ۷۷ درصد است که قابل توجه است. درصد با سواد در مجموع روستایی ۴۹ درصد است. بدون تردید میزان با سواد در مجموع روستایی و شهری میان مردم و نیز متنفاوت است که این امر باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. درصد با سواد در کل کشور در حدود ۶۴ درصد است که سگری مناسبی برای چشم رشد و توسعه اقتصادی محسوب می شود.

ارتباط اشتغال و جمعیت

عامل مهم دیگر در ارتباط با مغوله جمعیت و رشد و توسعه وضعیت اشتغال و بار تکلیف است. ترتیب وضعیت تکلیف و میزان شاغلین در مغوله های اشتغال، ملکت تاثیر گذار است. همان تکلیف و در هر دو اشتغال به مفهوم متفاوت و در عین حال مترادف است. بار تکلیف یا به معنای هر گره ممکن است یک نفر تکلیف چند نفر را بعهده داشته باشد. ولی این تعهد از طریق اشتغال خودی نباشد. در عین حال میزان تکلیف یا از این جهت شاید داده می شود که هر چند در اشتغال اشتغال از طریق این معنای متفاوت، چاه نیز ارتباطی می کند.

اینجا به عنوان یک عامل مؤثر در مساله رشد و توسعه اقتصادی موثر است. مفهوم اشتغال یکی از نزدیکترین مفاهیم جمعیتی با مغوله رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید. مغوله هایی چون جمعیت فعال، غیر فعال و مگورگی ارزشی از اینها با مغایر با مسائل اقتصادی دارند و نوع تعریفی که از مغولات پیش گفته بعمل آید در مسائل اقتصادی نیز گزار است. تحقیقات اقتصادی بسیاری در این زمینه انجام شده است و تئوری های گوناگونی در زمینه ارتباط این دو مفهوم وجود دارد.

در بررسی وضعیت جمعیتی از دیدگاه اشتغال، سطح اشتغال نامناسب مطرح شود، چرا که بارهای از مشاغل مشاغل کادری محسوب می شود که این مشاغل نه تنها اثری در رشد و توسعه اشتغال ندارد بلکه عامل ترمیم عمل کننده ای نیز در زمینه رشد و توسعه بشمار می آید.

در بررسی مساله اشتغال، سرمایه ارباب آمار شاغلین نمی تواند روشنگر باشد، بلکه باید اشتغال را در مفهوم فعال آن و اثراتی که در توسعه اقتصادی دارد بررسی کرد. برای بررسی همه جانبه و مستقیم مساله اشتغال، باید به تفکیک، هر بخش را مورد مطالعه قرار داد. این عمل در بخش صنعت، باید میزان شاغلین فعال و شاغلین انگنی را مشخص کرد. منظور از شاغلین انگنی، آندسته از شاغلینی

هستند که بطور مستقیم نیروی کار خود را در فروش و پند استفاده نمی کنند. مشخص شدن میزان این شاغلین انگنی ارتباط و اثرات میان رشد و توسعه اقتصادی و بخش صنعت را در عین سازه در زمینه اشتغال، آمار بدست آمده از سرشماری نشان می دهد که بار تکلیف و بار اشتغال از وضعیت تقریباً برخوردار است و این دو در جوامع شهری و روستایی تقریباً مشابه یکدیگر است.

با بررسی های بعمل آمده از کل جمعیت نزدیک به ۲۲ درصد در شهر و ۲۴/۵ درصد در روستا، شاغل وجود دارد که این میزان خوبی برای بار تکلیف است. ولی مساله اصلی، و اساسی، ترسج اشتغال است و این که آیا همه شاغلین اثری در رشد و توسعه اقتصادی دارد یا خیر؟ این مغوله ای است که با استفاده از اطلاعات بیشتری باید تحلیل شود. عامل مهم دیگر در رشد و توسعه اقتصادی از دیدگاه جمعیتی، وضعیت تعلق جامعه است، اینکه در جامعه ما چند درصد مردم با استقلال و چه نسبتی مشران خود را به لایال مختلف از دست داده اند، نه به طور مستقیم، ولی در حال بررسی در رشد و توسعه اقتصادی اثر دارد البته اکثر برتری امروزه این عامل را یک عامل اصلی نمی دانند. ولی این امر، جوامع و به ویژه جوامعی که با گامهای فکری و ابتدائی تر یکپاره ای، عامل اصلی است. ناچار از به عنوان یک عامل مهم در رشد و توسعه اقتصادی تلقی می کنند. چون این عامل بر روی فرهنگ و اجتماع اثر می گذارد و عوامل اجتماعی نیز وضعیت اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهد.

برای نمونه، لغات نسبی می شود تا در به دنبال اشتغال بود و این عامل تعلق نامرئی، در توسعه اقتصادی دارد. به شرطی که به این شکل داده شود، جهت نشانایی به هنگام بحث در مغوله رشد و توسعه اقتصادی، کنترل جمعیت را همیشه به عنوان یک عامل مهم مورد توجه قرار می دهند. ولی وضعیت مغله و به ویژه اساسی، با توجه به داده

آمار و فرام فرمای این واقعیت است که رشد جمعیت در کشور هائیس به رشد جمعیت در کشورهای دیگر، بالا است.

تا گذارد که این امر واقعاً از یک جنبش نیروی توسعه اقتصادی دارد. در شرایط به ازدواج به کشورهای توسعه یافته، به طریق به شکل زندگی نوین سواد است که این فرد عامل مؤثری در رشد اقتصادی است. البته این مغوله در برابر به چالش رها شده است. رشد جمعیت، با رشد اقتصادی مرتبط می آید. به علاوه، علت آنکه به فرموده است که باید ثابت صرفاً سطح کل جمعیت در توسعه اقتصادی ملاک نیست، بلکه معیارهای جمعیت بردند و توسعه اقتصادی است و هر یک از اینها جنبشی می شود که اثرات مثبت یا منفی بسیاری بر توسعه اقتصادی داشته باشد. اینها اثرات مثبتی از اینها صفات اثر زنجیره ای می شود. نشان دادن صفات کیفی مانند میزان تعصب یک مردم نسبت به کار به خصوصی را نمی توان با رقم و عدد نشان داد ولی می توان میزان تعصب را با رقم و اعداد نشان داد و افزایش بردند و توسعه بررسی کرد.

جمعیت و تئوری های اقتصادی

مغره، جامعه اقتصادر روشنی از مفهوم جمعیت ندارند. به ویژه اینکه، کشور پرمردم انسانی اقتصادی و تلقی مستقیم و تعیین کننده آن برای بخش بحث و گفتگو شد. جامعه تعیین کننده خود از فرام فرمای روشنی اقتصادی می باشد. هر چه مردم را توسعه می دهد، مردم در توسعه خود به مغوله جمعیت، شاید بتوان گفت دلیل آن این است که بررسی مغوله جمعیتی و بررسی فرهنگ جامعه، بسیار نزدیک به یکدیگر است و تئوری های

موجود، بیشتر ریشه های علل و سبب جامعه را اگر کسی می دهد. شاید بتوان گفت در تئوریهای اقتصادی، این مساله رشد و توسعه از دیدگاه فرهنگ و اقتصاد آنچنان که باید و نباید نباشد. اینها نشان می دهد، مساله فرهنگ، جامعه، مردم است. کلای کلیت اثراتش می دهد. این موضوع به فرهنگ جامعه، به این نگاه گنبد ثابت است و در همه جوامع و ملکت و با فرهنگی وجود دارد.

در واقع جمعیت اقتصادی آسانتر جذب می شود زیرا خود را مشخص دیگر درگیر نمی کند. این عامل جمعیتی بیشتر با فرهنگ همین است. یعنی مردم این مسائل را به ویژه وقتی با فرهنگ آنها همخوان نباشد نمی پذیرد. مساله وقتی جوامع نامرتب توسعه می یابند، بواسطه مساله فرهنگی و ولو اینکه خود را از نظر طریقی هم داشته باشند مساله جمعیتی به تعبیری در مقابل مایه صراحت گفته و به آن اهمیت داده شده است.

جوامع مختلفی که در زمان به آنها اشاره شد جوامعی است که مغوله های جمعیتی بر آنها شرح است. در مناطقی که به پیشوند جمعیت و ارتان صفات جمعیتی مطرح است. اینگونه می گویند شما یک نفر را هدایت کنید مانند این است که یک جگه راهاندازی کنید یا شاید یک برخورد جمعیت شناسی است و می توان آنرا بیان کرد. مثلاً اگر یک نفر با سواد کنی، جامعه با سواد کرده ای می شود. فرست است و اثرات با سواد شدن یک نفر، دیگران را به سوی سواد می کشد و در هر حال بر جامعه اثر دارد.

سواد این راه عنوان یک تئوری جمعیتی وارد مغولات اقتصادی تکمیل می شود. هر حال به خاطر عواملی مانند دست و تکمیل فرهنگ، جمعیت و وجود زبانها و فرهنگی مختلف و به ویژه اینکه اندازه های اخیر مراکز جمعیتی و مساله ساخت ناشیابی، البته شهرهای قدیمی حتی چند هزار ساله داریم ولی جمعیت به مفهوم اقتصادی آن نداشته است. و این مساله که در همه وقت مطرح شده مسائل عادی است

در راستای رشد و توسعه

اقتصادی، برنامه ریزان ناگزیر

بایستی خود را با رشد جمعیت

تطبیق دهند.

مالیات و سربازگیری بوده است. معاینین به دلیل اینکه جمعیت ماکزیا روستایی بوده مساله جمعیتی به عنوان عوامل اقتصادی مورد نظر فرارسی گرفته است. شاید مغله که به این اشاره کرده به همین علت باشد و هر چند که به سوی تراکم جمعیت و گسترش مراکز شهری برود، مسایلی جمعیتی خوششان را نشان می دهد. و به عنوان عوامل اقتصادی مطرح می شوند. اکنون به جایی رسیده ایم که مساله جمعیت و مساله اقتصاد گنگانگ هم در حال عمل هستند.

به همین دلیل است که به تازگی وارد بحث جمعیت شناسی و اقتصاد شده ایم. ترسج جمعیت و حرکت جامعه توسعه اقتصادی شدن امروزه از جمله مسائل عادی است. سؤال: مشخص های جمعیتی در تعریف وضعیت موجود، با اینکه واقعیت اما است که پیوند با وضعیت موجود و تحلیل آن از یکسو و در روند سیاست گذاری ها از سوی دیگر می تواند کاربرد غیر واقعی پیدا کند. به بیان دیگر این فرض و این استدلال نیز وجود دارد که داده ها و اطلاعات آماری در جریان تحلیل های سیاسی - اجتماعی هرگز مصلحت اندیشی ها شده و در مسیر رشد و توسعه اقتصادی به مشخص های مصلحتی تبدیل شود. نظر شما پرمردم جمعیتی و مشخص های جمعیتی به عنوان افرادی در روند رشد و توسعه اقتصادی چیست؟ جواب: جمعیت به مفهوم شاخص های جمعیتی، اثری در فرست تصمیم گیریهاگن است. شرایط وضعیت های گوناگون، روشهای استفاده از این ابزار را تعیین می کند. از دیدگاه سیاسی، مساله افزایش و رشد جمعیت برای کشور ما

در حال حاضر کاملاً مثبت و موثر است.

درباطه بانجک تجلی جمعیت به عنوان آزاری مهم برای مطرح کردن در مجامع بین المللی به شمار می رود. باید دقت کرد که در شرایط کنونی کدام مسأله حادث است. مسکن است این دو آزار زیاد با یکدیگر تطبیق نداشته باشد. یعنی هنگام سیاستگزاری نتوان هر دو آنها را به موازات یکدیگر به پیش برد. ولی مسکن است یکی از این دو، یعنی اهداف سیاسی یا اقتصادی بر دیگری برتری پیدا کند.

امروز در کشور ما آزار و آزاره در گروه های جمعیتی بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد. البته در گروه های و جوامع تخصصی این اقتصادی نیز مد نظر قرار دارد ولی در مجموع می توان گفت که شاخص های جمعیتی به عنوان یک آزار سیاسی منظر است و این کاملاً جا و صحیح به نظر می رسد. یعنی تئوری آزاره در کشور ما چنین چیزی نگر نیست. در مسأله آزاره این چنین چیزی جمعیتی به عنوان نشود. یعنی اینکه شاخص های جمعیتی بیشتر به عنوان شاخص سیاسی منظر بوده و مفهوم اقتصادی نداشته است. به این معنی فلسفه خیلی مهم بود که چه گستاخی و چه نعدایی به اسلام می گردیدند همین شاخص های جمعیتی که به عنوان آزار سیاسی استفاده می شد. در فرسده های بعدی به عنوان یک آزار اقتصادی منظر قرار گرفت و بهترین دلتش و تکنولوژی و اشتغال در مجامع اسلامی مطرح شد. به احتمال قریب به یقین به محض اینکه این شاخص ها به صورت سیاسی مورد استفاده قرار گیرد کم و بیش گام بعدی استفاده از این شاخص ها به عنوان آزار اقتصادی خواهد بود. در چه زمانی مسکن است که در سطح حاکم بریاضه وارد.

رابطه رشد جمعیت و توسعه اقتصادی

سوال: می گویند رشد جمعیت بطور کلی نمی تواند بی فایده مثبت و یا منفی باشد. بلکه به سایر عوامل و پارامترها بستگی دارد. این مسأله را در حوزی یک محور مشخص و در محدوده خاصی مورد بررسی قرار دهید. بطور مشخص بگویید که در مورد کشور ما با توجه به امکانات مبرهه و سایر عوامل و پارامترها چه می تواند باشد. اشاره کنید. مسأله افزایش جمعیت چگونه آزارهایی می آسود؟ زیرا بعضی است که اولین مسأله مرشد و توسعه اقتصادی گنبد مازاد اولیه است و بدون آن امکان هیچ حرکتی وجود ندارد این مازاد با از بخش تکنولوژی است می آید و با صنعت و در دستوری مانند کشورها از محل درآمدی نظمی بیرون می آید و این شاخص می توان آزار بطور کلی محاسبه کرد. از طرفی در مقابل آن هزینه های زیاد وجود دارد که این مازاد با یعنی پس از تامین آن هزینه ها نیز کسب بود. نظر شما افزایش جمعیت به ویژه با توجه به خصوصیات جمعیت کشور که به آنها اشاره کردید به نظری مزایا رابطه ای خواهد بود؟ آیا افزایش جمعیت مزایایی را در مقابل کسب کشور موثر است و نادیده که هزینه های آن است. اینکه تأمل می باید تولید ناخالص ملی اضافه خواهد شد. به این معنی مصرف بالا رفته و هزینه ها افزایش می باید. ولی در مقابل مازاد کسب نمی شود.

جواب - در وهله ای پس از انقلاب صنعتی در انگلستان مطرح بود. مانند تئوری ماریس که می گوید ارزش افزوده به مورد باعث می شود نیروی کارگر تحلیل برود و خوشحال نیروی کارگر باعث می شود کارگران حرکت انقلابی داشته باشند و شروع بکنند. در اینجا چه عاملی در نظر گرفته شده است؟ مسأله این بود که حسان ارزش افزوده، وضع کارگرها را نیز بهتر می کرد. منتی بطور کلی منصفین بود. حق کارگر بود و این پرداخت نمی شود. ولی در فرضین حالت باعث می شد برای اولتویزیون رنگی، اتوموبیل و... تولید شود که این بود حسی رفته کارگران از بالای می برد. این فرض ثابت کرد که در سطح است کارگر تحلیل می رود ولی در یک جای دیگر به وی نزدیک می شود. بعد از تجزیه ای خاصه برزخورد آمیز مردم میزبان درآمدی را که در خواصی داشته و ضروری است مردم میزنند ۲ سال دیگر باید از کسب حقوقی دستورنی که آموزش مردم، تولید ناخالص ملی را افزایش می دهد. حال این مسأله باید داشته باشد که در مقابل باید

جمعیت و متوسط رشد آن در دهه ۱۳۵۵-۱۳۵۰

رد سالانه	جمعیت سال ۱۳۵۰		جمعیت سال ۱۳۵۵		نام استان
	تعداد	درصد به کل کشور	تعداد	درصد به کل کشور	
۳/۵۰	۸۸۰۹۵۷	۱۰۰/۰۰	۱۰۰۰/۰۰	۳۳۷-۸۷۴۴	کل کشور
۳/۳۸	۹۰۶۰۹۴	۱۰/۲۸	۹/۴۹	۳۱۹۷۹۸۵	آذربایجان شرقی
۳/۱۰	۱۹۰۰۲۳	۲/۱۶	۱۰/۸۸	۱۰۰۷۷۰۰	آذربایجان غربی
۳/۹۲	۳۳۳۳۵۵	۳/۷۰	۶/۲۶	۳۱۹۷۹۸۵	اصفهان
۳/۲۱	۳۷۸۵۰۰	۴/۳۰	۱۲/۲۲	۳۲۶۰۱۲	ایلام
۳/۳۳	۱۳۳۷۵۵۰	۱۵/۰۶	۳/۰۶	۱۰۰۰۰۰	باصران
۵/۵۴	۶۰۱۱۱۰	۰/۷۲	۱/۰۲	۳۳۷۸۳۲	بوشهر
۸/۲۰	۴۹۱۲۵۷	۵/۵۴	۳/۲۵	۱۰۰۱۵۵۲۱	تهران از شهرستان
۳/۶۱	۶۵۱۹۱۰	۰/۷۴	۱/۰۷	۳۳۳۳۳۳	چهارمحال و بختیاری
۳/۵۷	۵۱۵۵۹۹۱	۵/۸۳	۹/۳۸	۳۳۳۳۳۳	خراسان
۱/۷۷	۳۳۳۳۳۳	۳/۷۳	۵/۰۰	۳۳۳۳۳۳	خوزستان
۳/۲۷	۱۵۹۹۱۸۹	۱/۸۰	۳/۷۱	۱۱۱۷۱۵۷	زنجان
۵/۲۰	۱۱۳۸۰۹۶	۱/۲۷	۱/۲۷	۳۳۳۳۳۳	سیستان و بلوچستان
۳/۲۴	۹۰۷۹۸۸	۱/۰۳	۰/۸۵	۳۳۳۳۳۳	سمنان
۳/۰۲	۱۰۵۸۳۸۶	۱/۲۰	۳/۲۲	۷۸۳۳۳۰	کردستان
۳/۲۸	۱۳۳۳۳۳۳	۱/۴۸	۳/۲۲	۱۰۰۱۵۵۲۱	کرمان
۵/۲۳	۳۳۳۳۳۳	۰/۳۸	۳/۳۳	۳۳۳۳۳۳	گیلان
۱/۷۷	۳۰۰۰۰۰	۰/۳۰	۳/۲۰	۱۵۸۸۸۷۲	گیلان
۳/۸۸	۳۰۰۰۰۰	۰/۳۰	۳/۲۰	۲۰۳۵۵۸۲	فارس
۳/۲۴	۱۲۸۰۰۰	۰/۱۴	۲/۷۷	۳۳۳۳۳۳	گلستان
۳/۳۳	۳۳۳۳۳۳	۳/۷۸	۳/۳۳	۳۳۳۳۳۳	مازندران
۲/۸۵	۱۰۰۰۰۰	۰/۱۰	۲/۰۸	۷۷۷۷۷۷	مرکزی
۳/۲۰	۷۰۰۰۰۰	۰/۷۰	۳/۲۷	۳۳۳۳۳۳	همدان
۳/۱۲	۱۳۸۸۷۶۶	۱/۴۸	۳/۲۲	۱۰۰۸۸۰۲۲	هرمزگان
۳/۲۴	۵۵۰۰۰۰	۰/۶۰	۱/۰۶	۳۳۳۳۳۳	سمنان
۳/۲۸	۵۵۷۷۷۷۱	۰/۶۰	۱۲/۲۱	۱۰۰۰۲۲۳	شهر تهران

بر اساس آخرین نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ جمعیت کشور ۸۸۰۹۵۷ نفر می باشد که این تعداد از ۳۳۷۰۸۷۴ نفر در سال ۱۳۵۰ افزایش یافته است. در سال ۱۳۳۸-۸۵ جمعیت کشور ۳۳۳۳۳۳ نفر بوده که نسبت به سال ۱۳۳۰ افزایش یافته است. بر اساس این نتایج رشد متوسط سالانه جمعیت کشور در فاصله سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۵ ۱/۲۸٪ است. رقم بالایی در این میان است که این رشد را در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و در صورت برعکس به مرکز استان ایران مشاهده می شود. در جدول ذیل مشاهده کنید.

از دیدگاه جمعیتی مطرح شود حرف من این است که اگر ما برای مازاد که در مرکز کسب می توانیم داشته باشیم. چنان تعیین محدودیتهای این تراکم بخواهیم حرکت کنیم. با امکانات موجود، درآمد مملکت و با قریب نداشته شده اشتغال و تخصص هیچ وقت کشور ما حالت اشتغالی برخوردار نمی شود. کسب هر چه بیشتر که برارنده باشد و درآمد داریم به معنی کسب آلودگی بخواهیم برارنده با قریباً به ضرورت داریم. به معنی طرفی می رویم که نباید برویم. ملاظرت اقتصادی به هیچ هائی می آید که هر روز مازاد بیشتر بطرف غرب می کشد. هم اگر آنرا بکنیم از کسب می توانیم که ما می خواهیم همین توانمندی است که در فاصله بین ما و کشورهای توسعه یافته است. هر چه به پیش رفتیم، مسأله کاهش سطح معیشت مردم، بوجه را با احتساب شکتهای ۱۸ و ۱۹ دلار به پهنه بود. اما دیدیم قیمتها به ۱۰ و ۱۱ دلار رسید. اسمال برخلاف بدهت. پارسی عمل شده است. ما اگر بخواهیم خرمغان را با این توانمندی تطبیق دهیم، اقتصادمان قطع می شود. اگر این مسأله اقتصادی داشته باشیم و این برنامه محدود و مشخص را بدون توجه به توانمندیهای نفت فراموشی رشد اقتصادی مملکت در نظر بگیریم و آنرا در مقابل در این حال که شخصاً نتوانیم از دید کارشناسی معنی کنیم که می توانیم مملکت را با رشد بیشتر رشد و توسعه اقتصادی داشته باشیم و در همین حال که می توانیم توسعه اقتصادی به داشته باشیم. در صورتی که رشد جمعیت را کنترل کردیم، اما مهم، دانستیم برنامه است. مهم نیست برنامه آن چه تعداد و چه چینی باید داشته باشد. اما بهداشت در آن مهم تر باید باشد تا آموزش.

راههای کنترل جمعیت

سوال: تا کجا باید بروی کاملاً بجهت است اما در کنار آن مسأله امکانات و واقعیتها مطرح است. بهتر است مسأله را اینگونه بررسی کنیم که به هر حال ما در پارامتر بیشتر داریم. یکی درآمد و دیگری هزینه ها و این تعیین است که تنها تعادل متوازن این دو پارامتر ضرورتی ندارد. یعنی نباید هزینه ها از کسب پیدا کند و یا درآمد افزایش یابد تا حوالی مازاد اولیه برای سرمایه گذاری دست آوریم. برای مازاد اینکه امکانات اقتصادی برابر اصول قانون اساسی برای مردم فراهم کنیم. تا حداقل هر فردی بتواند در هر روز شش روز یک سوم درآمدش را صرف

کار کند و بقیه را به رشد فکری و معنوی و همچنین استراحت خود اختصاص دهد و نامش را نشانه پیش از حد مدرک کار کند دولت باید مستحکم با اجتناب از سرمایه های تانک، سالی ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری کند.

اما اگر نمی تواند یا بخواهد در کوشش در راه پاره و پاره منابع مادی و معنوی مردود شود به نظر شما بنام چه امکانات و منابع موجود کشور، کدامیک از این دو حالت عملی تر است؟

جواب: من بازم تا آنکه می کنم همین مسأله که به آنها اشاره می کنید باورم بر اینست که در کشور باید مسأله کشید که به چه بخشی می خواهید نگاه کنید: خدمات؟ خوب برود یا نه کشید کنید حرف من این است که برای همین مسأله باید برنامه داشته باشید. بحث من این است که شورای اقتصاد و با توجه تصمیم گیری مشکلات بصورت موردی با این مسأله برخورد نکنند مگر اگر تصمیم می گیرند سرمایه را گریزی کنند تا مسائل آینده سرمایه فزاینده گویبی باشد. این که این مسأله اثرات افزایش درآمدی و کاهش هزینه های داشته باشد تا این مسأله اثرات خوب که باید در مرحله بعد بررسی و روشن شود که آیا وضع جامعه بهتر یا بدتر شده است. بحث ما این است که کاری که انجام می دهیم حتی بوجه بزرگی که بنگانه است. براساس برنامه و شرایطی که در ذهنمان است. حتی دوری کاغذ هم نباید. ولی براساس برنامه موجود انجام بدهی یعنی باید در گشتن را با جهت گیری نفسی ای که در آینده داریم همراه و هماهنگ سازیم.

اگر می بیند الان مسأله اشتغال مطرح است و می خواهید اشتغال ایجاد کنید، دیگر ربطی به این مسأله نداشته باشد که مثلا آیا می خواهید کارخانه ای را بنیاد یا نامه ای را خواهید کارگران را بازرغبه بکشد یا نه. می خواهید آیا به روستا بکشاید یا نه. بنظر من ایجاد اشتغال نباید به این مسأله صورتی ربط پیدا کند بلکه باید کاری را که لازم است انجام دهد دنبال کنید و اثرات حاصلی اش را نیز بنیادید.

در اینجا بدون اینکه بگویم می خواهیم یک طرح جامع اقتصادی-اجتماعی بچیزیم که از بالاترین اثرات اجتماعی تا پایین ترین بنگانه اقتصادی را تحت پوشش قرار دهد. فقط این انتظار را داریم که یک جهت گیری مشخص در برنامه اقتصادی مملکت می تواند جلوی بحران اقتصادی را اگر به بحران معضات بیاورد. بگوید برای نمونه در نظر بگیرید اگر بطور دائم و مستمر برخواهد بستنی و با فرزندانش داشته باشید. حالا اگر داریم برخواهیم صحیح باشد یا نه. گفتند که باید که چه با شما بسیار هماهنگ تر خواهد بود تا اینکه در روز بفرزندان مطالبی را با او داشته باشید. بحث ما نیز همین است. در مسائل اقتصادی می اگر اکنون تصمیم هزینه ها را کاهش دادیم اگر با جامعه بکوشیم که مردم (هر چه که ممکن است عمل ما فقط به باشد) مسلما مشکلات و مسائل تا حد زیادی حل خواهد شد. در نتیجه می بدون داشتن یک برنامه مثلا پنج ساله که دارای اهداف کمی باشد، اگر دولت تانگی بر بخورد یا مسائل اقتصادی فقط و مسلما اثرات مثبتی خواهد داشت. برای مثال به مثال مدیریت جامعه اشاره می کنم ما می دیدیم ابراهیل انقلاب تغییرات زیادی در مسأله مدیریت جامعه صورت می گرفت. تا حدی که در اثر ترویج با هدف و با جهت گیری بنی برطرف این مسائل باعث می شد مدیران، بی دردی ترحم شوند و بر جامعه ترازو به دیده آید. سپس به مردم افضای حیات دولت تلبیت شدند. مثلا نسبت به مردم و زیرسای و مدیریت که ۵ تا ۱۵ سال در سطح موبایلی مانند این روند جدید در سطح مدیریت بی مشاهده شد و این ثبات را سپس در وضعیت اقتصادی دستگذاهی بیشتر دیدیم.

هم اکنون از نظر مالی، وضع جامعه کارآمدی ما فر جامعه کارآمدی ۴ سال پیش بدتر شده است. ولی ثبات آن بسیار بالاتر از ۴ یا ۵ سال پیش است.

بحث من این است که اگر ثبات حفظ شود می توان مشکلات را حل کرد. حال آن که وضعیت ثابت بدست خوب ما بدست من به آن گذار نداریم. ولی در همین ثبات باعث می شود همه مسائل در ارتباط با یکدیگر دقیق نگاه شود. مثل

باز توجه به دید مکتبی.
نمایز به کنترل مستقیم دولت
دروغله رشد جمعیت موجود نیست.



از دیدگاه سیاسی، مسئله افزایش و رشد جمعیت برای کشورما، در حال حاضر کاملا مثبت و مؤثر است.

توان رشد جمعیت را با افزایش سرمایه گذاری تطبیق داد. یعنی در این شرایط هر بخشی خوشتر از با سایر بخشها هماهنگ می کند. مثلا به جایی می روم که حتی جمعیت، درونی می گیرد. می بیند شما نمی توانید تانگی کشید. جلوی رشد جمعیتش را می گیرد و برنامه به سیاستمداران رفت و دید شما نمی آید. پس از سروس سبید برای آنچه بعد است نگاه می دارد. یعنی بدون اینکه شما کنترل کنید. باید خود جمعیت کنترل می شود. یعنی خودی، خوشتر از کنترل می کند. بشرطی که شما با او بطور بکوشیم و برخورد کنید. الان بطور کلی به حدی که حالا چاه گمانه و چه بنگانه، جهت گیری جامعه ما به همین سمت است.

لایحه الان نیز تصمیم های پر از تصمیم می گرفته می شود. مثلا یک زمان اعلام می شود ما سکنی استنباطی سطحی می توانست فلان کالا را صادر و با وارد کنند. سپس سال دیگر این تصمیم لغو می شود. این برخورد اثر اقتصادی وارزای آن نوع برخوردی مردم این مناطق نمی توانست داشته باشد. مسائل اقتصادی جامعه تطبیق دهند و این مسأله سرمایه گذاری و با میزان هزینه های کشور اول می گذارند یا اینکه اگر سانسهای ما بخواهیم توزیع کالا بکوشیم نباید. مردم این نقاط خوشتر از ما یا آن کشید. تکلف و در وقت خود جامعه یک متحرک می شود. شما همین مسأله همین از نظر فزاینده بگردید که چگونه بر میزان هزینه های ما تأثیر می دارد. اگر اینکه یک روز زمین گویبی باشد و دیگر روز اعلام شود هزینه های را زمانی را بر جامعه ایجاد می کند. ولی بکوشیم که دولت وقت تصمیم گیری کند. در نوع بنی بصورت گویبی انجام شود. اگر نمی زمانی که توزیع بیزیم هم در کشور زیاد شد. باز همین سیستم نباید بماند. باید، در این شرایط جامعه، اقتصاد و دولت خوشتر از ما تسلیم می دهد. چون همه می بیند که جهت کنترل ما تا ۱۵ سال دیگر ثابت است.

پیش بینی های جمعیتی
- سگال - حالا فرض کنید این ثبات پیدا شد پس از آن باید چه کاری کردی در مورد جمعیت دنبال شود.
- جواب - پس از این مرحله نظر من این است که

رشد جمعیت را کنترل کرد و باید به توسعه اقتصادی پرداخت.
- سگال - در حال باید یک مقلی برای آن شرایطی که جامعه خوشتر را با سیاستهای دولت تطبیق می کند بخواهد داشته باشد.

جواب: نظر من شاید بتوان این مسأله را به اختیار برای بنده شدن نظر توسعه کرد. یعنی در وقت فشار دائمی و فشار آن را کوچک کرده اند. ولی پاسنالی مران برخواهیم دید که این که می تواند خیلی راحت فر را منبسط کند. بنظر من اگر ما بتوانیم این جمعیت را بصورت کنترل شده داشته باشیم شاید بشود گفت که امکان خوبی برای آینده بوجود خواهد آمد.

بحث من این است اگر مشکل کشور سرمایه گذاری و با مشکلات دیگر داریم، اگر جهت گیری مشخصی داشته باشیم آبرود ندارد و این که به تقریبات اقتصادی برویم، باز مسائل حل خواهد شد. بر سره استوار. الان بطور مشخص گفتی که در این زمینه خوشتر از تانگی می دهد. مثلا اینکه الطبی منطقی بارها گفته اند که در تحصیل کرده از خارج بیابود تا در اینجا تدریس کند. ولی از ایران کسی را به آن صورت به خارج نفرستید. اگر این جهت گیری مشخص باشد بنظر من همه مسائل قابل کنترل است. بنظر من سرمایه گذاری در بخش آموزش با این شکل می تواند مثبت باشد.

- سگال - در اینجا همان مسأله ای که خودتان اشاره کردید مطرح می شود و آن اینکه کشور ممکن است توان تربیت متخصصان را داشته باشد ولی توان آنها را نگاه دارد. این در خیلی از کشورها مثل هند متخصصین تربیت می شوند ولی به علت مشکلات مختلفی از جمله کمبود امکانات برای سرمایه گذاری، متخصصین پس از اینکه با استفاده از امکانات جامعه تربیت می شوند به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند. آیا فکر نمی کنید لازم است تعاون در این زمینه بوجود آورد و حداقل هایی را نیز از این زاویه به نظر داشته باشد.

جواب - همین هندیک را جوامعی است که از نظر صنعتی خیلی رشد یافته است. می ناید و با زیر عوامل رشد در رشد و توسعه اقتصادی وجود دارد که اگر یک کشید که نظر کشور و بصورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد. حالت انتقاری پیدا می کند. برای نمونه فرار مغزها بصورت تجربی خیلی نگران کنند. ولی اگر این عامل را در یک محیط معقول اقتصادی جنبه های مثبت دیگر به صورت نگران کننده نیست. مثلا روش شما این است که متخصصین در داخل کشور، تربیت شود. شما در اینجا چه عواملی را از او می گذرد؟ پیشرفت و تکنولوژی و دیدن و برخورداری از معارف تمدن (به اصطلاح آموزشی اش) را از او می گیرد. ولی بنیایش برای اصطلاح جبهه های با وجود می آید. در فرهنگ جامعه و اشتغال آموزش را می کشید که می تواند مقدم موثری در سرکنهای مثبت باشد. ظاهر بقیه می این است که یک طرف جمع می شود. ظاهر فطری

این است که میزان سرانه آموزشی ما از نظر تکنولوژی و تخصصی کافتی بسیار کم است. بزرگن ما به اندازه یک بزرگن تازه قریب از سطح تولید از انگلستان اطلاعات پزشکی ندارد. زیرا این یکی هر روز با باغی و از سره کار داره و این یکی با مسایل درمانی و اگر این یکی در چین به جهتی باشد که سپس اکثر کشور دیده که به نظر من در این مورد سرکنهای اساسی می شود. آبرود ندارد. شما الان مسأله فرار مغزها را دارید. ولی با این روش آموزش، احتمال دارد فرار مغزها نداشته باشید. باید هر چه آموزش که در دی می دید ۲۰ تا ۲۵ سال از نظر پیشرفت علم با دیگر جوامع فاصله دارد. حالا اگر مسائل را بصورت تجربی ببینیم، درنگ کنند. است. الان بعضی از سرمایه گذاری های ما در این زمینه شدن و از نظر رفتن است. و عملا داریم از کسی می خوریم. با ممکن است پس فرار فلان کارخانه بخوابد. پس بدست یک کارخانه (که بصورت تجربی بررسی می شود) یک باجه می شود. ولی اگر با عوامل دیگر اقتصادی دارد نبود و جمعوجه وضع موجود را در نظر بگیریم نگران کننده.

نیست. شما برای نمونه جایگاه کارشناسان اقتصادی را در سال ۶۱ با ۶۵ مقایسه کنید. تنها این را می‌خواهم بگویم که در رابطه با پیش‌بینی‌های وزارت برنامه و بودجه را در ۶۱ در رابطه با واقع جمعیت و مسائل اقتصادی و... ببینید. منوجه می‌شوید نگرانی‌هایی که داشتند و هشدارهایی که می‌دادند چقدر تحقق پیدا کرده است.

الله نگرانی دارد ولی الان رنگها درجای دیگری به صدا در آمده است. در واقع رنگها در آن جایی که آنها گفته بودند به صدا در نیامده است.

نوسازی جامعه

✽ سوال - بنابراین در مجموع، لایح شما در نظر اقتصادی برای تأثیر رشد جمعیت چیست؟

جواب - الان ما باید جامعه خودمان را نوسازی کنیم. مثل این است که شما می‌خواهید درخانه‌ای اسباب کشی کنید. می‌تواند شما را که اسباب‌فروشی نامی در منطقه خود می‌روید، نوسازی و به‌روزرسانی کنید یا با وسایلی جدید خرید کنید. ما الان به رشد ششای جمعیت نیاز داریم؛ زیرا جامعه ما باید سریع‌تر توسعه یابد. حالا کار تمام که این مساله آن آن طرف که آثاری را می‌تواند بپوشد. ایران، دانشجویان تحصیل کرده و با کارگران ما باید سریعاً جایگزین شوند. الان همه انگیزه‌ها برای پیش‌تر آمادگی‌اش است و تنها مساله فرقی که اختلاف مانده است، زمان عرف ما نیز همان است.

بحث من این است که اگر دانش ما با توسعه، آسانتر پس از انقلاب اسلامی، سریعاً جامعه را نوسازی کنیم، شاید به اهدافی که داریم سریع‌تر برسیم.

✽ سوال - این نظر شما بدون رشد جمعیت تمهید می‌رسد. یعنی من توان عملی در انتخاب را آموزش داده و آنها را متخصص کرده

جواب: شما برای اینکه به اهداف خودتان برسید باید حق انتخاب بیشتر داشته باشید. الان برای دانشگاه ۵۰۰ هزار نفر یا ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر داوطلب وجود شما چه افرادی را انتخاب می‌کنید؟ طبیعی است که نخبه‌ها وارد می‌شوند. اگر این رقم افزایش یابد مثلاً ۷۰۰ هزار نفر بشود، در اینجا نخبه‌ترها انتخاب می‌شوند. نخبگان، خودشان جوان انتخاب را سریع می‌کنند. بشری که شما بدانید چه می‌کند، اگر بجای ۳۰۰ هزار داوطلب ۷۰۰ هزار نفر داوطلب داشته باشید و همان ۳۰ هزار نفر را که در حد امکانات دانشگاهها است جذب کنید، چون از بین افراد بیشتری انتخاب کرده‌اید سریع‌تر به افرادی که برای جامعه آمدن آن به آنها نیاز دارید می‌رسید.

بحث من این است که ما الان به انتخاب‌های احتیاج داریم، ما الان به این مساله نیاز داریم که جامعه را از راههای گوناگون نوسازی کنیم و برای این مساله باید امکانات بیشتری را برای انتخاب داشته باشیم.

✽ سوال - صرف وجود افراد بیشتر دلیل نمی‌شود که انتخاب دقیق‌تر انجام شود. مثلاً اگر افراد بیشتر باعث شود که امکانات زندگی برای بسیاری از مردم کمتر شود، در آن وقت به‌خوردگی از امکانات برای هر پیشتر افراد موثر خواهد بود و به سبب لطف افرادی که امکانات مالی دارند چه نخبگان برگزیده شوند، زیرا بسیاری به دلیل عدم امکانات نمی‌توانند استفاده‌های خود را بیاورند و طایفه سوزند.

جواب: نخبگان فقط دایلی امکانات مادی می‌جویند نیستند. منظور من نخبگان ذهنی است.

✽ سوال - درست است، ما هم نمی‌گوییم شما نخبگان مادی را انتخاب می‌کنید، ولی بحث در این است که وقتی شرایط زندگی دشوار شود، آن وقت نخبگان ذهنی از بین نخبگان مادی انتخاب می‌شوند و آنها که جز نخبگان ذهنی هستند ولی امکانات مالی ندارند نمی‌توانند صلاحیت خود را ابراز کنند.

جواب: در این مورد شکی نیست ولی متوسط جامعه ما به این صورت نیست، متوسط جامعه ما به این صورت است که افراد در شرایطی هستند که می‌توانند در کتابخانه‌ها بیفتند.

✽ سوال - بعد از دوره شرایط کنونی نیست. بحث در اینجا است که شما می‌گویید جمعیت باید افزایش یابد. هر چه که متناسب باشد، امکانات زندگی رشد کند. یعنی جامعه مثل یک فنر کشیده که بعداً باز می‌شود، در یک حالت کشیده قرار بگیرد تا بعداً بتواند با تسلیل بالای ارتداد کند. بنابراین امکانات زیاد شده ولی جمعیت افزایش یافته است. آیا اختلاف بین افراد در مورد به‌خوردگی امکانات مادی بیشتر نیست و آیا این مساله باعث نمی‌شود افرادی که امکانات بیشتری دارند از نظر ذهنی هم رشد بیشتری بکنند. جواب - بحث من در این مورد نیست، من می‌گویم فردی که جمع می‌شود، درآمد سرانه‌ای که کاهش می‌یابد آیا درست باومی‌شود یا نه؟ آیا الان به فکر آن هستیم که آن درآمد سرانه درباره افرادی باشد یا نه، بحث من این است که الان ما با خطر مسائل اقتصادی نباید شروع کنیم و به فریب‌زدن رشد جمعیت نیز کشور مضر است. من می‌گویم خود همین فریب‌زدن مسائل اقتصادی ملایم‌تر خواهد بود. بخوبی اینکه نباید به جمعیت به عنوان مساله اصلی به‌رسانیم. برویم مسائل اقتصادی را حل کنیم، زیرا جامعه ما با افزایش درآمدات اقتصادی تطبیق می‌دهد. با این کار جامعه خودش را تطبیق داد. آن عوامل اقتصادی آرند می‌تواند جمعیت را کنترل کند. مثل همان مساله بهداشت که گفتیم یعنی وقتی مردم بینند امکانات پزشکی کم است و بیمه و درمان نیست، خوششان دیگر در مورد تعداد بچه رفت می‌کند. یعنی جامعه خودش را با عوامل اقتصادی تطبیق می‌دهد.

✽ سوال - این تطبیق نیست. تطبیق نسبی است که اگر شرایط و امکانات عوض شد، در شرایط و امکانات جدید

نفرین می‌فرستد. برانداده‌ها را که در هر سطح پیش داشته است برای خود حفظ کند. ولی این حالتی که نسبی می‌گردد به این صورت است که در هر کشور و هر شرایطی اجتماعی و اقتصادی، یکی گروه از افراد را سری امکانات خودرا از دست بدهد و نهایتاً در مراحل بعدی، گروهی در این میدان از زمان می‌روند و تعدادی نیز می‌مانند. این دیگر تطبیق جواب - من سیاست زندگی کردن و بلندمدت بودن قضیه را می‌گویم. به یک مثال دیگر بگردیم. در رابطه با جنگ حضرت امام گفتند اگر جنگ ۲۰ سال به طول بکشد ما ایستادگی می‌کنیم ولی سیاست دولت این بوده است. بلکه سیاستها بر روی بوده است که اصلاً ۳ ماه دیگر جنگ تمام می‌شود.

اگر همان روز اول محتوای پیام امام را می‌فهمیدیم، آن وقت دیگر خط تولید و دانشگاهها و... هم با این مساله تطبیق پیدا می‌کردند. الان از اینکه مدتها، تازه می‌شنوید که مثل فلان تولید بکنان باید به خط تولید بچه تبدیل شود. چرا که ما بزرگ جبهه می‌خوریم و به‌روستایا و شهر قابل استفاده است. حالا من کاری به موناژ و خرس و بی‌ان ندارم. بحث من در مورد جهت گیری است. بحث من این نیست که طرف می‌رسد یا تطبیق پیدا کرده است. بحث برسر یکسان و یکطرف بودن قضیه را بلندمدت است. اگر شما بتوانید سال‌ها یا چندین سال آینده بزرگترین سیاست‌ها را تصمیم‌گیری کنید، باید پیش‌بینی کنید آیا مونس ۵۰ هزار نفر خواهد بود، اگر کسی بزرگترین تصمیم‌گیری‌ها را می‌کند، این هم در اختیار شماست. این هم در اختیار شماست. این هم در اختیار شماست. این هم در اختیار شماست.

✽ سوال - این تطبیق نسبی است که اگر شرایط و امکانات جدید

در سرشماری اخیر نفوس و مسکن، میزان جمعیت شهری

۲۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفوس جمعیت روستایی ۲۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر و جمعیت غیرساکن حدود ۲۵۰ هزار نفر برآورد شده است.



✽ تشویق به ازدواج به شیوه مستقیم، تشویق به ازدیاد هوالید نیست. بلکه تشویق به تشکیل زندگی و پذیرش مسئولیت است که این خود، عامل مؤثری در رشد اقتصادی است.

جواب: جمعیت در تئوری زمین‌شناسی نیست که شما بدهد برنامه راجع به جمعیت نظر بدهد. زیرا جمعیت کنترل شده باید با برنامه اقتصادی تطبیق داده شود. همین که رشد جمعیت زیادتر جمعیت باید کنترل شود. این پیشش یک سری اهداف اقتصادی قرار دارد. من می‌گویم این اهداف اقتصادی نیست راجع به جمعیت هم نباید برنامه‌ای

✽ سوال - بنابراین در اینجا اگر بخواهیم نظر شما را در مورد برنامه‌های اقتصادی جمع بندی کنیم می‌توانیم بگویم سه که سه مسئله است که در شرایط کنونی نباید دنبال رشد اقتصادی باشیم و الان مساله ما توسعه اقتصادی است؟

جواب - الان با همان مفاهیمی که برای رشد و توسعه وجود دارد، دقیقاً حرف من همین است. بعد که خودمان را جمع خواهیم کرد و به اهداف اولیه رسیدیم، آن موقع که خواهیم راجع به رشد اقتصادی صحبت کنیم. راجع به رشد جمعیت باید نظر کنیم. که آیا میزان جمعیت را بالا ببریم، یا کاهش دهیم و با بسیاری از مسائل دیگر.

✽ سوال - البته در مورد مساله رشد و توسعه اقتصادی نظریاتی نیز وجود دارد و قاتل به این است که نباید بین این دو تکنیک بشود و پرداختن به یکی نباید به معنای عدم توجه به دیگری باشد.

جواب - مفاهیمی رشد و توسعه، خودش بحث انگیز است. ولی در این زمینه حداقل خود تئوری‌ها مشخص است. اما مساله در مورد تعریف کردن قضیه است. یکی ممکن است تعریفی از رشد توسعه ارائه کند نتیجه بگیرد که آنها هم ترازند از چه ما باشند. یکی ممکن است بر اساس تعریف دیگری از این مفولات بگیرد که اینها نمی‌توانند از چه ما باشند. مثل مثلاً چشم دیدن که وقتی شما واژه چشم را بکار می‌برید مساله دیدن به ذهن می‌رسد. هر چند که ممکن است چشمی کرد باشد ولی بهر حال تا لفظ چشم بکار رود عمل دیدن به ذهن می‌رسد. رابطه رشد و توسعه زمین‌شناسی طوری است تا بگویید توسعه، رشد به نظر می‌رسد و با کمک. در حالی که ممکن است مثل همین رابطه رشد و دیدن هر توسعه، رشد باشد. لذا در اینجا بحث فقط در مورد تعریف است.